مسائل متعالی رهبری

دفتر اول

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

در میان واژگان قرآنی، کلماتی همچون تقوا و مهم‌تر از آن، تبتّل،[1] به سطحی ویژه از معنویت اشاره دارند و چه بسا مراتب مختلف چنین معنویتی را بیان می‌کنند؛ اما بهترین واژه قرآنی که حیات خاص معنوی را حکایت می‌کند، واژه "رهبانیت" است. این واژه در جوامع روایی نیز در همین معنا به‌صورت گسترده به‌کار رفته است.

واژه "رهبانیت" نماینده معنویتِ برتری است که ادیان در طول تاریخ بدان فراخوانده‌اند. با این حال این واژه، ذهن همه خوانندگان را در آغاز به سمت عده‌ای از پیروان معنوی مسیح علیه‌السلام در زمان‌های گذشته تا به امروز سوق می‌دهد و در همین راستا نوعی زندگی معنویت‌گرایانهٔ شدید همراه با ترک کامل دنیا و عزلت‌نشینی، زندگی در کوه‌ها یا مکان‌های خاص با انواع ریاضت‌ها و تمحّض در عبادت

۱. خود را برای خدا خالص کردن و از همه چیز به سوی او بریدن.

و روحانیات را به خاطر می‌آورد. گویا در رهبانیت، معنویتِ بریده از ظاهر به چشم می‌خورد.

آیا واقعیت چنین است؟

موضع ادیان گذشته به‌ویژه مسیحیت درباره رهبانیت چه بوده است؟

آیا اسلام به عنوان برترین و کامل‌ترین آیین‌ها حیات راهبانه را پذیراست؟

آیا حیات راهبانه، سطوح، مراتب و گونه‌های متعددی دارد؟

آیا تصوّف و عرفان اسلامی همان رهبانیت متجلی در اسلام است؟ یا احیای مجدد همان رهبانیت مسیحی است؟

آیا در شیعه رهبانیت راه دارد؟

آیا می‌توان رهبانیتی ناب، متعالی و مترقی از متون اسلامی به دست آورد که بتواند نیازهای فطری بشریت امروزین را در ابعاد مختلف جواب‌گو باشد؟

مؤلفه‌ها و نشانه‌های چنین رهبانیت و معنویتی چیست؟

این اثر بر این باور است که "رهبانیت" اختصاصی به دین عیسوی نداشته و در همه ادیان وجود داشته است و تنها به حسب شرایط زمانی و مکانی و مسائل درون‌دینی به گونه‌ها و مدل‌های مختلفی ظهور کرده است. اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیست «لِكُلِّ نَبِيٍّ رَهْبَانِيَّةٌ»[1 و 2] و به همین جهت هیچ تردیدی نمی‌توان کرد که نه تنها در اسلام رهبانیت وجود دارد، بلکه اسلام به عنوان آخرین دین و کامل‌ترین پیام الهی به طراحی نظامی متعالی و مترقی از رهبانیت دست یازیده که توجه به همه مؤلفه‌ها و ابعاد آن و دقت در جامعیت آن به لحاظ برطرف‌کردن نیازهای فطریِ انسانِ دورهٔ ختمی چشم‌ها را خیره می‌کند و وجه دیگری از هیمنه اسلام و اعجاز قرآن را آشکار می‌سازد.

---

۱. أحمد بن حنبل، مسند أحمد بن حنبل، ج ۱۹، ص ۴۶۴.

۲. برای هر پیامبری رهبانیتی است.

این اثر بر آن است تا ابعاد مختلف مسأله را - در چند دفتر که به صورت مجزا منتشر خواهد شد - بازکاوی کند. در همین راستا پس از تثبیت اصل مسأله در اسلام و تبیین ابعاد و عناصر اصلی و خطوط بنیادین "رهبانیت متعالی اسلامی" در دفتر نخست، گونه‌های مختلف رهبانیتِ موجود در میان مسلمانان را در دفترهای پسین مورد مطالعه قرار دهد. در دفتر دوم اثبات نماید عرفان و تصوف اسلامی با همه فراز و نشیب‌ها و وجود همه مزایا و معایب، مدلی از رهبانیت اسلامی است که هدایت‌های ویژه شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در ادامه نظارت ائمهٔ معصومین علیهم السلام در شکل‌گیری، رشد و شکوفایی آن نقشی بی‌بدیل داشته است. جالب این‌که عرفای اسلامی نیز خود را راهبان امت ختمی تلقی کرده‌اند. در این دفتر تلاش خواهد شد ارزش این رهبانیت در شناسایی ابعاد مختلف رهبایت، مانند عرفان عملی و نظری و شکل‌گیری عقلانیت عرفانی، جدی شدن لایه‌های عمیق‌تر دین‌پژوهی، به دست آمدن مبانی و روش‌های آن، پختگی در مسائل عرفانی و سلوکی و به دست‌آمدن ملاک‌هایی برای تشخیص رهبانیت‌های تقلبی تبیین شود. چنانچه درباره کاستی‌های ذاتی و انحرافاتی که به تدریج در این رهبانیت راه‌یافته است سخن به میان خواهد آمد.

رهبانیت خاص شیعی نیز تحت اشراف ویژه اهل بیت معصومین علیهم السلام مدلی دیگر از رهبانیت اسلامی را عرضه کرده است که آن را باید "رهبانیت و عرفان شیعی" تلقی کرد. تردیدی وجود ندارد که پژوهش درباره رهبانیت و عرفان شیعی، ضرورت امروز جامعه ماست. در دفتر سوم و دفترهای پس از آن تلاش بر آن است تا پرسش‌های موجود در این زمینه پی‌گیری شود؛

واقعیت رهبانیت و عرفان شیعی چیست؟

آیا هسته مرکزی این رهبانیت با رهبانیت رایج اسلامی یعنی تصوف و عرفان اسلامی از نظر روش و محتوا متفاوت است؟ آیا می‌تواند متفاوت باشد؟

مؤلفه‌های اصلی این رهبانیت کدام است؟

آیا نحله‌های مختلفی در این رهبانیت شکل گرفته است؟

سیر تاریخی این رهبانیت چگونه است؟

در عصر امامان معصوم علیهم‌السلام مسأله چگونه بوده است؟ آیا موضوع ابواب ارتباط ویژه‌ای با این بحث دارد؟

ماجرای غلو چه ارتباطی با رهبانیت شیعی دارد؟

نحوه تعامل و ارتباط رهبانیت و عرفان شیعی با مدل رهبانیتی تصوف و عرفان اسلامی در طول تاریخ چگونه بوده است؟

پس از عصر ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام تاکنون چند مقطع تاریخی برای تحولات عرفان شیعی می‌توان تبیین کرد؟ مهم‌ترین شخصیت‌ها و آثار در رهبانیت و عرفان شیعی کدامند؟

مباحث عرفان عملی و مسائل عرفان نظری در رهبانیت شیعی - با توجه به منابع بسیار غنی روایی در شیعه - چگونه است؟

آیا عارفان و معنویت‌گرایان شیعی تاکنون توانسته‌اند از این ذخایر عظیم معنوی استفاده‌های بایسته و شایسته را داشته باشند؟

آیا از این منابع و با توجه به ابزارهای لازم اجتهادی، می‌توان رهبانیت برتری را ارائه کرد؟

از این منابع غنی چگونه می‌توان در متن سلوک و عرفان بهره‌مند شد و رهبانیت واقعی به وجود آورد؟

پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر برای جامعه شیعی ما از ابعاد گوناگون لازم و ضروری است. جامعه شیعی ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای تولید معنویت و رهبانیت در سطح جهان را

داراست و می‌تواند مدیریت امر معنویت را در دست گیرد. بزرگترین درد جامعه بشری و مهم‌ترین مانع کمال انسانی گرفتارشدن در ظاهر و غفلت از معنا و باطن است. ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِراً مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾.[1] ارضا نشدن انسان ظاهرگرا و احساس همیشگی غربت و پوچی، معنویت‌گرایی فطری را در همه تاریخ و همه ملل دامن زده و امروزه با شدت‌یافتن ابعاد ظاهرگرایی، احساس غربت، تنهایی، بی‌پشتوانگی و پوچی به اوج خود رسیده است و این همه، عطش زائدالوصفی در معنویت‌خواهی پدید آورده و بسترسازِ گونه‌های متعددی از معنا و معنویت در جهان شده است.

سعادت و شقاوت انسان در مقیاس فرد و جامعه و ظهور و افول تمدن‌ها، در لایه‌های عمیق‌ترِ تحقیق و پژوهش، به میزان توجه به معنا، نوع معنا، میزان حقانیت معنا و شدت و عمق معنا وابسته است. از همین رو حجم وسیعی از تحقیقات علمی در گذشته و امروز پیرامون معناست. همه تحقیقاتی که در حوزه‌های دین‌پژوهی و اغلبِ علوم انسانی صورت می‌پذیرد درباره معنا و معنویت است.

در این میان شناخت عمیق از حیات معنوی، سلوکی و عرفانی اسلام، "رهبانیت متعالی اسلامی" و مدل‌های مختلف آن به‌ویژه مؤلفه‌های رهبانیت متعالی اسلامی متبلور در شیعه، افزون بر آن‌که بهترین راه برای شناخت رهبانیت‌های قلابی و بهترین راه ارزیابی از معنویت‌های نوپدید عرفان‌نماست - که جوامع بشری از جمله جامعه و جوانان ما را امروزه تهدید می‌کند - به خوبی می‌تواند نیاز به معنا و معنویت را در لایه‌های مختلف جامعه بشری برطرف کند و زمینه‌های سعادت فرد و جامعه را فراهم سازد و دورنمایی از مدینه فاضله را پیش رو قرار دهد.

---

۱. روم، ۷.

باری، شناخت رهبانیت اسلامی و ترویج آن در جامعه، ضرورت تردیدناپذیرِ حیات کنونی ماست. هر قدر در این امر اهمال شود و هر اندازه که نهادهای فرهنگی در مهندسی فرهنگ از این مهم غفلت کنند، عطش معنویت‌خواهی جوانان ما یعنی آینده‌سازان کشور با معنویت‌ها و عرفان‌واره‌های غربی و شرقی، به ظاهر برطرف خواهد شد اما برطرف کردن آثار مخرب این سیرابی کاذب غالباً ممکن نخواهد بود.

تذکری در باب روش تحقیق

شاید لازم باشد پیش از ورود به تحقیق در بخش‌های مختلف دفتر حاضر و گفتارهای پنج‌گانه آن، به طور مختصر، روش کار - البته بیشتر ناظر به حوزه روایات - مشخص شود. به نظر می‌رسد بهترین روش در هر نوع پژوهش قرآنی، حدیثی - دینی؛ اعم از فقهی، اخلاقی، سلوکی، اعتقادی، عرفانی و سایر حوزه‌ها، روش "از محیط به داخل" و "چارچوب پژوهانه" است. مراد از این واژه‌ها این است که پس از روشن‌شدن ابعاد مسأله و پرسش‌های فراوان در آن، باید مشخص باشد به صورت نفس‌الامری هر بحثی دارای چندین لایه، از لایه محیطی و پیرامونی تا لایه‌های درونی و مسائل خرد است. در یک پژوهش ابتدا باید محیط و چارچوب در تعامل سه‌گانه کتاب، سنت مسلّم و عقلانیت، فهم و تبیین شود. ضرورت و فوائد این نوع پژوهش قابل اغماض نیست، چنانچه لوزام و پیامدها و آسیب‌شناسی آن نیز نباید از نظر دور بماند. با این حال واضح است نوع نگاه پژوهشگر به محیط‌ها و چارچوب‌های دیگر در حوزه دین و همچنین نگاه وی به کل محیط دین، اثر خود را در محیط پژوهی در مسأله خاص دینی خواهد گذاشت. از همین‌رو هرچه پژوهشگر، کل محیط دین را بهتر

و عمیق‌تر درک کرده باشد و پژوهش‌های فراوان‌تری در مسائل دیگر داشته باشد و همچنین پیش از تحقیق خاص، در زمینه مورد پژوهش مطالعات بیشتری را گذرانده باشد، چارچوب تحقیق را بهتر، استوار می‌سازد و پر واضح است که همه این روند باید مستدل و با ارائه ادله روشن و معتبر انجام گیرد. پس از این مرحله، اگرچه محیط‌های درونی‌تر نیز باید به همین سبک از کلی به جزئی و از پیرامون به داخل پیش رود، لکن به صورت کلی فهم محیط در فهم گزاره‌های درون‌محیطی و همچنین تشخیص قوت و ضعف مستندات حدیثی نقشی کلیدی ایفا می‌کند. البته کاملا باید روشن باشد این نوع از تصحیح روایات، تصحیح محتوایی متعارف نیست بلکه تصحیح محتوایی ذیل دامنه و محیط اثبات شده به روش اجتهادی است. مثلا در همین تحقیق، اگر روایتی از جوامع حدیثی اهل‌سنت نقل شده است و یا منبع و یا رجال آن ضعیف است، به لحاظ هماهنگی آن با "روح تحقیق" بدان استناد شده است. به بیان دیگر استحکام چارچوب تحقیق و اصل ایده، ضعف‌های این‌گونه روایات را جبران می‌کند. افزون بر آن که روایت‌های ضعیف‌تر با روایت‌های قوی‌تر تقویت می‌شوند. مثلا اگر روایت «لِكُلِّ نَبِيٍّ رَهْبَانِيَّةٌ وَ رَهْبَانِيَّةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْجِهَادُ» از جامع صغیر سیوطی نقل شده است، این روایت علاوه بر آن‌که با روح کلی تحقیق هماهنگ است، با دو روایت از امالی شیخ صدوق و شیخ طوسی رحمهما الله پشتیبانی می‌شود. زیرا از این دو روایت و روایات دیگر، دو نکتهٔ "وجود رهبانیت در هر دینی" و "وجود نوعی رهبانیت خاص در اسلام" استفاده می‌شود؛ دو نکته‌ای که روایت جامع صغیر آن‌ها را با صراحت بیشتری ابراز داشته است.

بنابراین در هر تحقیقی ابتدا باید یک یا چند اصل مسلّم که

حدود و ثغور بحث را مشخص می‌سازد و کلیدهای اصلی را به دست می‌دهد، کشف شوند. آن‌گاه بر محور آن اصل یا اصول، فروعات و دامنه تحقیق امتداد یابد. بنابراین چنانچه چنین تحقیقی "چارچوب‌نگرانه و محیط‌پژوهانه" است، "محوریابی و امتدادپژوهی" نیز می‌تواند عنوان دیگر آن باشد.

در هر صورت اثر حاضر اگر نتوانسته باشد این روش را در متن تحقیق پیش‌رو آفتابی کند، دست‌کم با چنین روشی اعمال شده است. به همین جهت بخش‌های مختلف کتاب همدیگر را تکمیل می‌کند و بسیاری از پرسش‌ها - که در آغاز و میانه تحقیق به ذهن می‌رسد - به تدریج برطرف می‌شود و گمان می‌شود در صورتی که خواننده گرامی به این اثر فرصت دهد و پرسش‌ها و اشکالات را به خاطر بسپارد و به انگیزه پاسخ‌یابی، بخش‌های کتاب را تا آخر دنبال نماید در پایان اثر، کل محیط مسأله و لایه‌های درونی‌تر تا مرز مسائل جزئی، تصویری روشن در نگاه خواننده فرهیخته خواهد یافت و دست‌کم در آن موقعیت می‌تواند به ارزیابی کامل‌تری از آنچه تحقیق حاضر در پی آن است، دست یابد.

در پایان لازم است از همه دوستانی که در انتشار این اثر به هر نحوی موثر بوده‌اند به ویژه سروران گرامی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالهادی مسعودی، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عالم‌زاده نوری، حجت‌الاسلام مهدی صداقت و حجت‌الاسلام محمدجواد رستمی که نکات سودمندی را به این بنده یادآوری کردند، تشکر و قدردانی نمایم.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

علی امینی‌نژاد

زمستان ۱۳۹۴ - شهر مقدس قم